



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان در تفسیر آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران پانزده مطلب ذکر کرده اند، ایشان می فرمایند در قران آیاتی داریم که مسلمانان را به عنوان یک قدرتی فوق همه قدرتهایی که در دنیا وجود دارد معرفی می کند و می خواهد امتی ترتیب بدهد که از نظر فقه و فرهنگ و سیاست و اقتصاد و... در اوج و قله اقتدار و عظمت باشند قران اینطور معرفی می کند و معالم و تکالیفی بیان می کند تا این مقام و موقعیت برای مسلمانان در اسلام بوجود بیاید ولی بعدا می بینیم که جریانهای بوجود آمده که مانع عملی شدن این اهداف شده لذا ما باید ببینیم این موانع چه چیزهایی هستند که مانع بوجود آمدن آن عظمت و اقتداری که قران برای مسلمانان بیان کرده و مانع تحقق آن اهداف عالی شده اند چراکه خداوند متعال مطلب بدون نتیجه بیان نمی کند.

آیت الله طباطبائی در مطلب دوم به این مسئله پرداخته اند که اسلام عنایت زیادی به اتحاد و اتفاق امت اسلامی داشته و بعد اختلاف را دو جور بیان کرده؛ اول اینکه انسان های اولیه خیلی ساده زندگی می کردند و تعدادشان نیز خیلی کم بوده و با هم اتفاق داشته اند لذا اولین اتفاق بوجود آمده اتفاق منزلی و خانوادگی می باشد یعنی دو نفر با هم ازدواج می کردند و برای خودشان خانواده ای تشکیل می دادند و بعد کم کم جمعیت انسان ها بیشتر شد و جامعه بوجود آمد و مردم قبیله ای شدند و رئیس قبیله آنها را اداره می کرد و بعد جوامع بسیار وسعت پیدا کرد تا اینکه

انسان ها بر سر اهداف و منافی که داشتند با هم اختلاف پیدا کردند تا اینکه خداوند پیغمبرانی برای رفع این اختلافات فرستاد و آنها آمدند راه و مبانی و قوانین زندگی را تحت عنوان دین برای مردم بیان کردند تا اختلافاتشان از بین برود اما بعدا در فهم و عملی کردن آن قوانین اختلاف بوجود آمد و بیشترین اختلافات نیز بر سر همین فهم و عملی کردن قوانین و مبانی دین می باشد و الان نیز همین اختلافات در فهم معارف دین بین مسلمانان وجود دارد لذا یکی از موانعی که مسلمانان نتوانستند آن اهداف عالی قران را عملی کنند همین اختلافات دینی و فرهنگی می باشد که موجب ضعف و انحطاط مسلمانان شده زیرا مسلمانان تمام قدرت خودشان را در سرکوب و عداوت و تنش با یکدیگر مصرف می کنند.

امروز به مواردی از اختلافات مذکور که بین مسلمانان بوجود آمده اشاره می کنیم، در سفینه البحار طبع جدید جلد ۷ صفحه ۷۱ تحت عنوان الفرقة الناجية خبری نقل شده: ﴿الخصال: عن علي بن أبي طالب (عليه السلام) قال: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول: إن أمة موسى اختلفت بعده على إحدى وسبعين فرقة، فرقة منها ناجية وسبعون في النار، واختلفت أمة عيسى بعده على اثنتين وسبعين فرقة، فرقة منها ناجية وإحدى وسبعون في النار، وأن امتي ستفترق بعدي على ثلاث وسبعين فرقة، فرقة منها ناجية واثنان وسبعون في النار. وبمضمونها روايات كثيرة﴾^۱، از این حدیث فهمیده می شود که امت اسلام به ۷۳ فرقه تقسیم می شوند و معلوم است که فقط یک فرقه اهل بهشت و ناجی هستند و باز در همین که فرقه ناجی کدام است نیز بین مسلمانان

^۱ مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی، ج ۸، ص ۱۹۰.

حدیث دوم در سنن ابی داود جلد ۴ صفحه ۱۱۱ نقل شده است، خیر این است: ﴿عن ثوبان قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يوشك الأمم أن تداعى عليكم كما تداعى الأكلة إلى قصعتها فقال قائل ومن قلة نحن يومئذ قال بل أنتم يومئذ كثير ولكنكم غثاء السيل ولينزعن الله من صدور عدوكم المهابة منكم وليقذفن الله في قلوبكم الوهن فقال قائل يا رسول الله وما الوهن قال حب الدنيا وكراهية الموت﴾. بنابراین بچثمان در این است که آن اسلامی که قرآن با آن عظمت در موردش صحبت کرده چطور شده اهدافش عملی نشده و چه موانعی بر سر راه عملی شدن آن اهداف وجود داشته که عرض کردیم یکی از آن موانع همین اختلافات بین مسلمانان می باشد. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

اختلاف است لذا بعد از حدیث مذکور این حدیث نقل شده است: ﴿كتاب الغارات: عن أبي عقيل، عن علي (عليه السلام) قال: اختلفت النصارى على كذا وكذا، واختلفت اليهود على كذا وكذا، ولا أراكم أيتها الأمة إلا ستختلفون كما اختلفوا، وتزيدون عليهم فرقة. ألا وإن الفرق كلها ضالة إلا أنا ومن تبعني﴾^۲، در روایات ما هست که فرقه ناجیه کسانی هستند که پیرو اهل بیت علیهم السلام باشند که اینک در حدیث ثقلین نیز همین مطلب بیان شده است.

اختلافات بسیار وسعت پیدا کرد تا جایی که پیغمبر صلی الله علیه و آله ابراز نگرانی کردند که بنده به دو حدیث از ابراز نگرانی حضرت اشاره می کنم که هر دو از طریق عامه نقل شده اند، حدیث اول در صحیح مسلم جلد ۱۸ صفحه ۹۶ و در کتاب زهد نقل شده است، حدیث این است: ﴿إِذَا فُتِحَتْ عَلَيْكُمْ فَارِسُ وَالرُّومُ أَيُّ قَوْمٍ أَنْتُمْ؟ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ نَقُولُ كَمَا أَمَرَنَا اللَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ تَتَنَافَسُونَ ثُمَّ تَتَحَاسَدُونَ ثُمَّ تَتَدَابِرُونَ ثُمَّ تَتَبَاغَضُونَ أَوْ نَحْوَ ذَلِكَ ثُمَّ تَنْتَلِقُونَ فِي مَسَاكِينِ الْمُهَاجِرِينَ فَتَجْعَلُونَ بَعْضَهُمْ عَلَى رِقَابِ بَعْضٍ﴾.

یک حدیثی نقل شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: "اختلاف امتی رحمة" درحالی که در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که شخصی از حضرت همین را پرسید که به ما گفته اند: "اختلاف امتی رحمة"؟ حضرت فرمودند خیر اختلاف را بد معنی کرده اند در اینجا مراد از اختلاف در واقع رفت و آمد در راه طلب علم و تفقه در دین می باشد نه مطلق اختلاف و حتی جالب است در ادامه حدیث ذکر شده که: "إذا كان اختلافهم رحمةً فإتفاقهم عذابٌ؟".

^۲ مستدرک سفینة البحار، شیخ علی نمازی، ج ۸، ص ۱۹۰.